

بررسی اشکالات کتاب «الفرقان الحق»*

احمد مسائلی**

چکیده

پروردگار مهربان به بشر منت نهاد و او را با گوهر دین آشنا نمود، گوهری که حیات بخش انسان است. خداوند متعال جهت اثبات حقانیت انبیا آنها را مجهز به اعجاز نمود، قرآن مجید سند حقانیت دین خاتم است، گوهر گران بهایی که همه انسانها را در تمام قرون دعوت به تحدی نموده است. در دهه اول قرن بیست و یکم کتابی تحت عنوان (الفرقان الحق) بر روی سایتها مشاهده شد که یک نوع تحدی عملی با قرآن محسوب می شود پژوهش حاضر در صدد بررسی اشکالات این کتاب است. اشکالات متعدد در محورهای متعدد؛ از آن جمله: میزان سرقت این کتاب از قرآن مجید؛ که حدود دو سوم آن را در بر می گیرد، روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه ای با رویکرد توصیفی است.

واژگان کلیدی: قرآن، اعجاز، الفرقان الحق، تحدی عملی، انتحال.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۲۶.

** . استادیار دانشکده علوم انسانی، آزاد خمینی شهر: ahmadmasaeli@gmail.com .

مقدمه

در مورد کتاب الفرقان الحق تحقیقی که به صورت کامل و تمام آن را مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نشده و تنها بر روی بعضی از سایت‌ها بعضی از سوره‌ها مورد بررسی قرار گرفته و تنها کار جدی که می‌توان در این مورد نام برد مقاله تحلیل انتقادی الفرقان الحق در حوزه وحيانیت و جامعیت در معارضه قرآن است که توسط پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن به چاپ رسیده است و در مورد دروغ بودن ادعای جامعیت و وحيانیت این کتاب است در صورتی که نوشتار حاضر، سیزده محور این کتاب را مورد بررسی قرار داده است.

پیشنه

در طول تاریخ تلاش‌های بی‌شماری در جهت تحدی با قرآن مجید صورت گرفته است ولی هیچ‌کدام توان هم‌آوردی با قرآن مجید را نداشته و قرآن هم‌چنان به نور افشانی خویش برای بشریت ادامه می‌دهد.

در دهه اول قرن بیست و یکم کتابی تحت عنوان (الفرقان الحق) بر روی سایت‌ها مشاهده شد که یک نوع تحدی عملی با قرآن محسوب می‌شود. اگرچه در متن کتاب الفرقان الحق ادعایی مبنی بر تحدی با قرآن مجید نیامده و خود این کتاب دعوت به تحدی در سطح یک آیه نموده است (الفرقان الحق/ ۱۵). حال چنان‌چه بپذیریم این کتاب ادعایی مقام تحدی ندارد، مهم‌ترین پرسشی که در این محور قابل طرح است بررسی این مسئله است که آیا کتاب الفرقان الحق در راستای هم‌آوردی یا تحدی با قرآن و در صدد اثبات باطل بودن ادعای پیامبر اکرم مبنی بر اینکه هیچ‌کس توان آوردن قرآنی همانند قرآن پیامبر اکرم محمد بن عبدالله ﷺ را دارا نیست، ارائه شده است؟ در پایان کتاب الفرقان الحق عنوانی با نام المقدمه آورده شده است که پیام اصلی این کتاب را این چنین بیان نموده است.

«به امت عربی به طور خاص و به جهان اسلام به طور عام (سلام بر شما و رحمت خدای قادر بر همه چیز) اشتیاق به ایمان خالص، صلح درونی، آزادی روح و حیات جاودان در ژرفای نفس بشری قرار دارد. ما با تکیه به خدای تنهای یگانه امید داریم که خوانندگان و شنوندگان، راه رسیدن به آن را از طریق (الفرقان الحق) بیابند (الفرقان الحق، بی تا: ۳۶۷). بر اساس این مقدمه هیچ ادعایی مبنی بر هم‌آوردی با قرآن وجود ندارد و صرفاً ادعای یک دعوت است که با توجه به این‌که ادعای دین جدید شده است محتاج به اثبات ادعای خویش از طریق یک معجزه است البته این

نکته قابل توجه است که این مقدمه جزء سوره‌های ادعایی نیست و توسط گروه ناظر بر تدوین و ترجمه و نشر نوشته شده است (در آخر مقدمه، این گروه به نام‌های الصفی و المهدی آورده شده است). ولی در متن کتاب الفرقان الحق نویسنده با توجه به سوره ششم (سوره الحق) و موارد متعدد دیگر در صدد اثبات بطلان و حیانی بودن قرآن و ادعای شیطانی بودن قرآن برآمده است و لذا در صدد بطلان حقانیت قرآن مجید است. این بیانش مثال آدمی است که یکی بر سر شاخ نشسته و بن می‌برید. در مباحث آینده میزان سرقت لفظی و معنایی الفرقان الحق از قرآن مجید را مورد بررسی قرار خواهیم داد که بیش از پانصد آیه از نهصد و پنجاه و چهار آیه کتاب الفرقان الحق از قرآن مجید سرقت شده است). نکته قابل توجه این‌که یک عمل معارضه با قرآن مجید انجام شده است و یک نوع تحدی عملی با قرآن محسوب می‌شود چون سیاق آن همانند قرآن مجید طراحی گردیده است؛ و بررسی اشکالات وارد بر این کتاب با مدد الهی هدف این جستار است.

درآمد

اعجاز یکی از پدیده‌های جهان هستی است، پیامبران الهی به جهت اثبات حقانیت خویش و ارتباط با جهان ماوراء طبیعت اقدام به آوردن معجزاتی به دو صورت اقتراحی و غیر اقتراحی می‌نموده‌اند، در توضیح باید گفت ادعای نبوت همه پیامبران آن چنان که قرآن مجید می‌فرماید با ادعای وحی و سخن گفتن با خداوند متعال با واسطه یا بی واسطه همراه بوده است (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۱۵/۱۸) البته این موضوعی است که نه حس آن را درک می‌کند و نه تجربه آن را اثبات می‌کند و لذا از دو جهت مورد اشکال واقع می‌شود یکی این‌که دلیلی بر گفتار آنان نیست و دیگر آن‌که دلیلی بر خلاف آن وجود دارد زیرا سخن گفتن با آفریدگار جهان و ارتباط داشتن با مبدأ وحی و جهان ماوراء طبیعت چیزی است که انسان نظیر آن را در خود نمی‌بیند و لذا خارق عادت است. حال اگر پیامبری ادعای ارتباط با عالم ماوراء طبیعت نماید و در گفتار خویش هم صادق باشد لازمه این امر آن است که بتواند خرق عادت کند تا راه را بر پیامبران دروغین بسته و حقانیت خویش را به اثبات برساند. قرآن مجید معجزه همیشگی نبی اکرم محمد بن عبدالله ﷺ است، حجّتی که اساساً دینی که به عنوان دین خاتم مطرح است می‌بایستی به جهان بشریت عرضه کند، ثقلی که همیشه در دسترس است تا مخالفین چنانچه قدرتی دارا هستند در مقابل او زور آزمایی نمایند، حجّتی که در دسترس است تا امثال دیوید هیوم و جان استوارت میل و جان هاسپرس او را به محک آزمایش بزنند و ادعا نکنند مردم براساس آنچه دوست دارند وقایعی را به عنوان امور حقیقی شکل می‌دهند (ر.ک: هاسپرس، فلسفه دین، ۱۳۷۱: ۵۴).

جهات اعجاز قرآن مجید را در چهار محور می توان نمود.

۱. اعجاز طریقی؛ ۲. اعجاز لفظی؛ ۳. اعجاز معنایی؛ ۴. اعجاز عددی.

۱. اعجاز طریقی: یکی از جهات اعجاز قرآن مجید اعجاز طریقی است، آورنده قرآن مجید بی هیچ تردید یک فرد امّی است که دارای سابقه درس خواندن در نزد کسی نبوده است و نام ایشان در میان دانشمندان و ادیبان آن روزگار نیست (مطهری، پیامبر امی، ۱۳۷۱: ۹). سخنان پیامبر اکرم به عنوان قرآن مجید هیچ گونه شباهتی به سخنان قبل از نبوت ایشان نیست. پیامبر اکرم محمد بن عبدالله ﷺ قبل از بعثت مبادرت به خواندن هیچ مکتوبی ننموده و هیچ خطی ننوشته است (عنکبوت/۴۸). اگرچه از لحاظ اخلاقی و امانت داری شهره عام و خاص بوده اند ولی از جهت کلمات حکمیانه شهرتی نداشته اند.

۲. اعجاز لفظی: یکی دیگر از جهات اعجاز قرآن مجید اعجاز لفظی است، فصاحت و بلاغت قرآن مجید و اسلوب مخصوص و نظم بدیع آن یکی از جهات اعجاز قرآن مجید است که سخنگویان و شاعران جاهلیت که گوی سبقت را در فصاحت و بلاغت از پیشینیان و حتی از ادیبان بعد از خویش ربوده اند و سخنان آنان ملاک فصاحت و بلاغت است چنان در برابر فصاحت و بلاغت قرآن متحیر شدند که نتوانستند هم‌آوردی با آن بنمایند و اظهار عجز نمودند.

۳. اعجاز معنایی: یکی دیگر از جهات اعجاز قرآن مجید اشتمال آن بر حقایق و معارف الهی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است که از مهم‌ترین ابعاد اعجاز قرآن مجید می‌باشد.

۴. اعجاز عددی: دیگر از ابعاد اعجاز قرآن مجید اعجاز عددی است که به عنوان مثال می‌توان از کلمه «وتر» یاد کرد که در کل قرآن مجید یک به کار رفته است با توجه به تناسب معنایی «کلمه وتر» و یک مرتبه کاربرد آن در کل قرآن مجید می‌تواند از اعجاز عددی قرآن مجید محسوب شود.

تحدی

قرآن مجید جهت اثبات حقانیت خویش دعوت به تحدی نموده است، دعوت به تحدی با عبارات گوناگونی هم چون آوردن قرآنی مانند قرآن مجید «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِجْنَ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء/۸۸)؛ «بگو: اگر انسان [ها] و جن [ها] جمع شوند، بر این که همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ و اگر چه برخی از آنان، پشتیبان برخی [دیگر] باشند». یا آوردن ده سوره «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرِيهِ قُلْ فَاتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ - فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (هود/۱۴-۱۳)؛ «آیا می‌گویند: «به

دروغ آن (قرآن) را (به خدا) نسبت داده است.؟! بگو: «اگر راست گوئید، پس شما هم ده سوره ساختگی، همانند این (قرآن)، بیاورید؛ و جز خدا، هر کسی را می‌توانید فرا خوانید.»* و اگر (دعوت) شما را نپذیرفتند، پس بدانید که (قرآن) با علم الهی فرود آمده؛ و این که هیچ معبودی جز او نیست؛ پس آیا شما تسلیم می‌شوید؟!». یا یک سوره «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» (بقره/ ۲۳)؛ «و اگر از آنچه بر بنده‌ی خود (پیامبر) فرو فرستادیم، در تردید هستید، پس اگر راست می‌گوئید سوره‌ای همانندش بیاورید و گواهانتان را، که جز خدایند، فرا خوانید». یا حدیثی همانند قرآن مجید «أَمْ يَقُولُونَ نَقُولُهُ بَلْ لَأَيُّؤْمِنُونَ * فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور/ ۳۳-۳۴)؛ «یا می‌گویند: «آن (قرآن) را فرا بافته است.»؟! بلکه ایمان نمی‌آورند. * پس اگر راست گویند، سخنی همانند آن (قرآن) بیاورند».

افراد مختلفی در دوره‌های مختلف اقدام به تحدی با قرآن مجید یا آوردن کارهای مشابهی با قرآن با پذیرش حقانیت قرآن مجید نموده‌اند، افرادی هم چون مسیلمه کذاب، بعضی از مسیحیان نجران یا سجاح بنت الحارث التمیمه یا طلیحه بن خویلد الاسدی یا اسود عنسی و ابن ابی العوجاء و دیگران را می‌توان نام برد (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۴۲۶: ۱۳۸/۲-۱۵۸؛ علاقه طباطبایی، المیزان، ۱۳۶۷: ۱).

توضیحاتی پیرامون کتاب الفرقان الحق

تاریخ انتشار سوره‌های جعلی از سال ۱۹۹۹ با انتشار چهار سوره جعلی شبیه سوره‌های قرآن مجید شروع شده است.

۱۹۹

تاریخ انتشار کل کتاب در سال ۲۰۰۴ کل کتاب در ۳۶۶ صفحه و ۷۸ سوره (قابل ذکر است سوره ۷۸ با نام الخاتمه یا opligue در شمارش فهرست نیامده است و با نام z در فهرست آورده شده است) به زبان‌های عربی و انگلیسی توسط دو شرکت انتشاراتی ۲۰۰۱ omega و wine press چاپ و توزیع شد.

نویسنده کسی که بیش از همه در معرض جعل یا نوشتن کتاب الفرقان الحق است، انیس شاروش (anis Shorosh) است. (سایت دین و فرهنگ به نقل از پایگاه اینترنتی آمازون) اگرچه صریحا جملاتی مبنی بر اینکه «فرقان من بهتر است» از او نقل نموده است یا نقل شده است که قرآن او را جایگزین قرآن فعلی نمایند. اگرچه با توجه به تنوع موضوعات مطرح شده و از جهات دیگر باید این کار توسط یک گروه طراحی شده باشد.

انیس شاروش

انیس شاروش یک عرب فلسطینی است و دارای حدود ده کتاب است. از جمله در سال ۲۰۰۴ کتابی با عنوان اسلام خطر یا چالش منشر نموده است. افراد دیگری که در بعضی از سایتها ادعا شده این کتاب جعلی توسط آنها ساخته شده است عبارتند از فردی به نام المصطفی الهام و مترجم فردی به نام المهدی است (خبرگزاری ایکنا) و در بعضی از سایتها آمده است این کتاب بی ارزش توسط افرادی به نام الصفی و المهدی نوشته شده است، درحالی که در متن کتاب در خاتمه به عنوان هیئت ناظر بر ترجمه و نشر مطرح شده‌اند، لازم به ذکر است با توجه به آنچه مطرح نمودیم نویسنده این کتاب جعلی مشخص نیست و اگرچه این کتاب ادعای وحیانی بودن دارد ولی شخصی که به آن وحی شده است مشخص نیست. کتاب الفرقان الحق مشتمل بر ۷۸ سوره و یک مقدمه و یک فهرست می‌باشد که صفحات کتاب بر اساس شمارش خود آنها ۳۶۶ صفحه است بدون شمارش صفحات مقدمه. با توجه به انتشار کتاب جعلی الفرقان الحق در بعضی از سایتها جملاتی یا سوره‌هایی آمده است و آنها را منتسب به الفرقان الحق نموده‌اند؛ در صورتی که این جملات اصلاً جزء این کتاب ادعایی نیست (که از جمله آنها می‌توان به سوره النورین اشاره نمود www.ankido.net).

مبنای اصلی تألیف فرقان الحق

قبل از بررسی هدف اصلی نوشتن کتاب الفرقان الحق، توجه به آیات شریفه ذیل جهت بررسی هدف از نوشتن این کتاب می‌توانند مفید باشد.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح/ ۲۹)؛ «محمد ﷺ فرستاده‌ی خداست؛ و کسانی که با او هستند، بر کافران سخت‌گیر (و) در میان خود مهرورزند؛ آنان را رکوع‌کنان [و] سجده‌کنان می‌بینی، درحالی که بخشش و خشنودی‌ای از خدا می‌جویند؛ نشانه‌ی آنان در چهره‌هایشان از اثر سجده [نمایان] است؛ این مثال آنان در تورات است و مثال آنان در انجیل است: همانند زراعتی که جوانه‌اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرده و محکم گرداند، پس بر ساقه‌های خود راست قرارگیرد، در حالی که کشاورزان را شگفت زده کند؛ تا کافران را به خاطر آنان به خشم آورد! خدا به کسانی از آنان که ایمان آوردند و [کارهای] شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است.»

﴿هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَفُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ إِنَّا اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (آل عمران / ۱۱۹)؛ «هان! شما کسانی هستید که آنان را دوست می‌دارید؛ و [لی] آنان شما را دوست ندارند. و شما به همه‌ی کتاب‌ها [ی الهی] ایمان دارید. و هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» و هنگامی که خلوت می‌کنند، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان [خود را به دندان] می‌گزند! بگو: «به سبب شدت خشمتان بمیرید! به راستی که خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست.»

خداوند متعال بر اساس این آیه محبت مسلمانان نسبت به اهل کتاب را نیز مطرح نموده است ولی عکس این امر، صادق دانسته نشده است.

هدف اصلی تألیف این کتاب جعلی مبارزه با اسلام و ارائه یک چهره‌خشن و غیر منطقی از اسلام و حق نشان دادن انجیلی که خود الفرقان الحق در صدد طرح آن است می‌باشد، هدف اصلی نویسنده یا نویسندگان الفرقان الحق طرح مبانی فکری جدیدی است که در بعضی از موارد با هیچ یک از اناجیل موجود نیز سازگار نیست (عدم پذیرش تورات به عنوان یک کتاب الهی و وحیانی در عین حال که تمام مورد قبول مسیحی‌ها است و تورات را کتاب الهی می‌دانند از جمله این موارد می‌تواند محسوب شود. تنها موردی که در کتاب الفرقان الحق، اشاره به حق بودن تورات دارد و از آن نقل قول شده است در سوره الانبیاء (۳۸) آیه ۱۱ است ولی با توجه به اینکه کتاب الفرقان الحق بر اساس انحصار گرایی بنا شده است نمی‌تواند مبنایی برای حقانیت تورات مطرح نماید و این یکی از تناقضات داخلی این کتاب محسوب می‌شود) (الفرقان الحق: ۲/۷۱). با توجه به مبانی که در خود اناجیل یا تورات یا کتاب مقدس وجود دارد ولی مورد پذیرش نویسنده یا نویسندگان الفرقان الحق نیست، کتاب الفرقان الحق در صدد طرح مبانی جدیدی است که بر این اساس پایه گذار شریعت جدید خواهد بود (عدم پذیرش اناجیل چهارگانه به عنوان کتاب وحیانی می‌تواند از جمله این موارد می‌تواند تلقی گردد) (الفرقان الحق: ۱/۷۰). با توجه به هدف اصلی نویسنده یا نویسندگان الفرقان الحق مبنی بر غیر وحیانی خواندن دین اسلام (در عین حال که متجاوز از پانصد آیه از نهصد و پنجاه و چهار آیه از آیات کتاب الفرقان الحق از قرآن مجید اقتباس و سرقت شده است) و ارائه یک دین جدید متمایز از مسیحیت با مبانی فکری جدیدی که نویسنده یا نویسندگان کتاب در صدد ترسیم آن هستند، تمام اندیشه‌های الحادی که در جهان در برابر تفکر دینی وجود دارد فراموش شده و به آن اصلاً توجهی نشده است.

اگرچه در متن الفرقان الحق ادعای وحیانی بودن این کتاب در مدت معینی (هفت شبانه روز) شده است و نوع وحی الفرقان الحق از نوع وحی الهامی محسوب شده است (سوره الشهد ۲/۷۷) (۲)

جهان هیچ کس خود را به عنوان رسول الهی که مورد وحی الهامی قرار گرفته است معرفی ننموده است. اساس مبانی پرداخته شده در این کتاب را در محورهایی هم چون تثبیت مبانی هستی‌شناسی، احکام دینی و اخلاقی مسیحیت و رد احکام اسلامی و غیره می‌توان جستجو نمود ولی در هیچ جای این کتاب طرح داستانی در ردیف داستان‌های قرآنی همانند داستان مریم مقدس یا حضرت یوسف علیه السلام وجود ندارد که بر این اساس در مقام تحدی به حدیثی همانند حدیثی از احادیث قرآنی بر نیامده است و علاوه بر این با توجه به تعداد کل آیات این کتاب یعنی نهصد و پنجاه و سه آیه، کل این کتاب برابر با سه سوره از سوره‌های طولانی قرآنی است، و دارای سوره‌های طولانی نیست. با توجه به گستردگی مطالب پرداخته شده در این کتاب همان‌گونه که اشاره نمودیم به نظر می‌رسد این کتاب توسط یک گروه در طول سالیان متمادی و به تدریج تألیف شده است اگرچه این سخن با ادعای و حیانی بودن این کتاب برای یک نفر که در متن کتاب آمده است در تعارض جدی است (سوره الشهد $۷۷/۲$). نوع شیوه به کار رفته در این کتاب اساساً از نوع خطابی است و از شیوه‌های دیگر هم چون برهانی یا جدلی یا اساساً استفاده نشده است یا بسیار کم استفاده شده است. اساسی‌ترین موردی که در این کتاب به آن پرداخته شده است و کانون مرکزی تبلیغ الفرقان الحق بر اساس آن شکل می‌گیرد طرح این دین و مسیحیت با شکل خاصی که ترسیم می‌کند به عنوان دین محبت و صلح است در حالی که در خود اناجیل، از جمله فرامین حضرت مسیح علیه السلام دستور به خرید شمشیر و امر به جنگ است.

و نیز: «و من آمده‌ام که آتش را بر زمین فرود آورم و چه بسیار می‌خواهم که حال افروخته شود» (متی: ۴۹/۱۲).

و نیز: «گمان مبرید آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را» (متی: ۳۴/۱۰).

در انجیل لوقا آمده است: ایشان (حواریین) را مسیح علیه السلام فرمود: «حال آن کس که کیسه با اوست بردارد و هم چنین کسی که خورجین دارد و کسی که ندارد بفروشد جامه خود را و بخرد شمشیری» (لوقا: ۳۶/۲۲).

۲۰۲

این کتاب دچار تعارضات داخلی فراوان است که یکی از دلایل بشری بودن آن تلقی می‌شود، از جمله آنها نفی رسالت یا و حیانی بودن الفرقان الحق در خود الفرقان الحق است (الانبياء $۳۸/۱۶$)، این آیه در الفرقان الحق این چنین آمده است: (۱۶) و ما بشرنا بنی اسرائیل برسول یأتی من بعد کلمتنا و ما عساه ان یقول بعد ان قلنا کلمة الحق و انزلنا سنة الکمال و بشرنا الناس کافة بدین الحق و لن یجدوا له نسخا و لا تبدیلا الی یوم یبعثون (الفرقان الحق: الانبياء $۳۸/۱۶$). اشکال

تناقض داخلی بزرگترین اشکال به الفرقان الحق است چرا که نفی هرگونه رسالتی بعد از انجیل را مطرح می‌کند و بر این اساس فرقان الحق که خود مدعی نفی هرگونه رسالتی بعد از انجیل یا کلمه الهی است و غیر الهی بودن خویش را بر این اساس اثبات می‌کند.

این کتاب خود را معجزه تلقی می‌کند و دعوت به هماوردی در سطح یک سوره و ده سوره و حتی یک آیه نیز نموده است و برای اثبات حقانیت خویش نوع معجزه خویش را از نوع اعجاز لفظی و معنایی به شمار می‌آورد (الفرقان الحق الاعجاز (۱۵)/۱۳ و خاتم (۶۷)/۸) با توجه به اینکه اعجاز لفظی در محورهای هم چون فصاحت و بلاغت و شیوایی سخن مطرح می‌گردد تلاشی در این راستا صورت گرفته است ولی در جای خویش مورد بررسی قرار خواهد گرفت که اساس آن اقتباس از قرآن مجید است. اصول علمی مطرح شده در این کتاب بسیار کم و اعجاز معنایی در راستای اخبار غیبی اساسا اقتباس شده از قرآن مجید است که در مباحث آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اشکالاتی که در مورد کتاب الفرقان الحق می‌توان مطرح نمود.

۱- طرح مبانی هستی‌شناسی غلط

طرح مبانی غلط که در محورهای متعددی مانند هستی‌شناسی و غیره قابل طرح است یکی از ابعاد قابل بررسی در مورد الفرقان الحق است، طرح مسئله تثلیث که در تمام سوره‌ها وجود دارد و سرآغاز تمام سوره‌ها با آن آغاز می‌گردد. یکی از مبانی هستی‌شناسی غلط است. در این محور از بحث به نقل دو مورد از این موارد اکتفا می‌کنیم.

۲۰۳ اولین مورد: در تمام سوره‌های کتاب الفرقان الحق این آیه به عنوان اولین آیه مطرح شده است. «بسم الاب الكلمة الروح الله الاحد الاوحد»، «این جمله سر آغاز تمام سوره‌های کتاب فرقان الحق آمده است».

تثلیث در توحید یکی از مبانی مسیحیت است که یکی از محالات عقلی به شمار می‌رود و امکان توحید در تثلیث یا تثلیث در توحید وجود ندارد.

دومین مورد: سوره المحرضین (۵۷)/۷ «واضلکم الشیطان بأبائکم کما اضلهم بأبائهم تتوارثون الکفر بعضکم عن بعض و انتم لا تعقلون فقد دسّ سمّه فی نفوس اولیائه الاولین»؛ «و شیطان شما را گمراه نمود به پدرانانتان همان‌گونه که پدرانانتان را به پدرانشان گمراه نمود، از همدیگر کفر را ارث می‌برید در حالی که نمی‌دانید هر آینه اسم خویش را در نفوس اولیائش پنهان نمود».

با توجه به امر اختیار در انسان و اختیاری بودن افعال انسان این سخن که کفر قابل ارث بردن است سخن صحیحی نیست و طرح این سخن یک اشتباه هستی‌شناسی است.

۲- اشتباهات موجود در الفرقان الحق

یکی از محورهای قابل بررسی در مورد الفرقان الحق اشتباهات موجود در این کتاب است که حکایت از بشری بودن آن دارد که به بعضی از این موارد اشاره می‌کنیم.

اولین مورد (هدایت بودن الفرقان الحق برای تمام مردم)

(سوره قدر (۱۶)/۲) «نورا للضالین وهدی للناس كافة فی کل عصر»؛ «این فرقان الحق نوری برای گمراهان و هدایت برای همه مردم در تمام دوران‌ها است».

اشکال تناقض داخلی: تغییری که در آیه شریفه قرآن مجید انجام شده است و در این جا به عنوان آیه جدید مطرح شده است باعث ایجاد اشتباهات جدیدی شده است که مورد بررسی قرار می‌دهیم. در سوره اعجاز از سوره‌های کتاب الفرقان الحق آیه پنج، ارسال رسولان الهی برای خیر عباد مطرح شده است ولی در این جا ارسال رسولان الهی برای تمام مردم بیان شده است.

اشکال محتوایی: این کتاب هدایت برای گمراهان مطرح شده در حالی که در قرآن مجید، این کتاب یعنی قرآن مجید هدایت برای متقین مطرح شده است. آنچه در الفرقان الحق آمده است اشتباه است چرا که از جمله مراحل گمراهی، مرحله عدم پذیرش حقیقت است که خود یک مرحله از گمراهی است در حالی که الفرقان الحق خود را نور برای تمام گمراهان و هدایت برای تمام مردم در تمام مراحل بیان نموده است. در این جا مفهوم سخن خداوند مهربان در قرآن مجید که فرموده است اگر این کتاب از نزد غیرالله بود هرآینه در آن اختلاف زیادی می‌یافتید مشخص می‌شود.

دومین مورد (طرح یک هستی شناسی غلط)

(سوره الطاغوت (۴۴)/۳) «و حرمانا علیه القتل فاحله له باسمنا و غرسنا بقلبه المحبة و الرحمة و السلام فنزعها من قلبه و افعمه بالکره و الخصام و اردنا له ان یکون ملکا رحیما فجعل منه شیطانا رجیما و انزله اسفل سافلین»؛ «ما قتل را بر او حرام نمودیم پس او به اسم ما او را حلال نمود و ما در قلب او محبت و رحمت و سلام کاشتیم پس او را از قلب خویش خارج نمود و او را از اجبار و دشمنی پر نمود و اراده نمودیم که فرشته بخشنده باشد پس شیطان رانده شده‌ای او را قرار داد و او را به اسفل سافلین فرستاد».

۲۰۴

اشکال اول: الفرقان الحق ادعاهای زیادی را در این آیه مطرح می‌کند که بدون تحدی یا ارائه معجزه‌ای نمی‌تواند آنها را اثبات کند.

اشکال دوم: کاربرد ضمیر (نا) در کلمه (حرمانا) با مفهوم تثلیثی یک اشتباه هستی‌شناسی است که با آوردن ضمیر جمع در این جا اتفاق افتاده است.

سومین مورد (خلط اسلام به معنای عام و خاص)

(سوره الکبائر (۵۳)/ ۶) «و زعمتم بان ابراهیم کان علی ملتکم مؤمنا مسلما لا مرنا و قفیتم به فکنتم اول المسلمین»؛ «و پنداشتید که ابراهیم بر کیش شما بود در حالی که مسلم و مؤمن به امر ما بود و شما پیروی وی نمودید پس شما اولین مسلمانان بودید».

اشکال معنایی: در این آیه یک اشتباه معنایی وجود دارد و آن عبارت از خلط بین اسلام به معنای خاص و اسلام به معنای عام است. در آیه شریفه قرآن، اسلام به معنای عام منظور است که شامل تمام ادیان می شود در صورتی که در این آیه که در الفرقان الحق مطرح شده است، اسلام به معنای خاص مطرح شده است.

چهارمین مورد (نفعی در سنت گذشتگان نیست)

(سوره الاصرار (۶۸)/ ۴) «و استمسکتکم بسنة الاولین و قد عفت و لا نفع من سنة الغابریین»؛ «شما به آیین گذشتگان تمسک کردید که با زبان حاضر هماهنگ نیست و نفعی در سنت گذشتگان نیست».

اشکال: اگر صرف قدیمی بودن از اعتبار یک سخن می کاهد انجیل عیسی مسیح نیز مربوط به زمان فعلی نیست و مربوط به گذشته است، علاوه بر این جاوید و همیشگی اعلام کردن فرقان الحق و انجیل به عنوان کتاب‌هایی که تا قیامت هادی جهان خواهند بود با توجه به گذشت زمان امر اشتباهی است (انبیاء، (۳۸)/ ۱۱).

انسان‌ها از ابعاد وجودی ثابتی برخوردار هستند که در تمام زمان‌ها یکسان است و هیچ گونه تغییری در آن راه نمی یابد که در الفرقان الحق از آن به عهد یاد شده است و بر این اساس، این خواسته‌ها رنگ کهنگی و زمانمندی به خود نمی گیرد.

۲۰۵

۳. سرقت معانی

از جمله اشکالات دیگری که به این کتاب می توان وارد نمود آوردن معانی قرآنی یا مبانی هستی شناسی قرآنی در اثر خویش است که بر این اساس، اعجازی در راستای اعجاز معنایی تلقی نمی گردد. به عنوان نمونه می توان از مثال‌های ذیل یاد نمود.

الف) مسئله خلود انسان که در آیه ۴ سوره الصلب (۹) آورده شده است.

«و ما ارسلنا کلمتنا لیبدین العالمین بل لیخلص الهالکین ویهیبهم الحیاة الابدیة...»؛ «ما نفرستادیم کلمه خویش، دین خویش، را برای محکوم کردن جهانیان بلکه آن را فرستادیم جهت خلاص و نجات هلاک شدگان و حیات ابدی بخشیدن به آنان...».

ب) وجود یک انجیل واقعی بین مسیحیت نه اناجیل متعدد که یک حقیقت قرآنی است در حالی که و در بین مسیحیت چهار انجیل به عنوان اناجیل رسمی (اگرچه تعداد اناجیل کتابخانه‌ای بسیار زیاد است) وجود دارد و امری تحت عنوان پذیرش یک انجیل به عنوان آموزه‌های وحیانی (وحی ارسالی) در بین مسیحیت مورد پذیرش نیست.

در این رابطه در کتاب الفرقان الحق در سوره ایمان آیه پنج این چنین آمده است.

(سوره الایمان (۵/۱) «و حرفتم آیات الانجیل الحق و کتمتم کلمتنا و اتبعتم صراطا ذا عوج و اوهمتم اتباعکم بانکم علی صراط مستقیم».

۴. انتحال (سرقت لفظی و معنایی)

از مهم‌ترین اشکالات کتاب الفرقان الحق سرقت لفظی و معنایی (انتحال) این کتاب از قرآن مجید است، لازم به ذکر است از کل ۹۵۴ آیه در الفرقان الحق؛ ۵۰۳ آیه این کتاب از قرآن مجید سرقت شده است، در ذیل چند نمونه را مورد بررسی قرار داده‌ایم و سپس جدول سرقت لفظی آورده شده است.

سوره بسمله (۷ آیه) در این سوره سه مورد سرقت لفظی و معنایی از قرآن مجید اتفاق افتاده است.

(بسمله (۰/۳) «فهو آب لم یلد»؛ «او پدری است که نزاده است».

اشکال اول: اقتباس لفظی و معنایی: این آیه از نظر لفظ و معنا از آیه چهار سوره مبارکه توحید گرفته شده است.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ (قرآن مجید، سوره توحید).

آیه (۴) کلمه لم یولد. کلمه ای است که زاده نشده است.

اشکال این آیه از نظر لفظ و معنا از آیه چهار سوره توحید گرفته شده است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ (قرآن مجید،

سوره توحید). ۲۰۶

سوره فاتحه (۷ آیه) در این سوره سه مورد سرقت لفظی و معنایی از قرآن مجید اتفاق افتاده است.

(فاتحه (۱/۱) «هو ذا فرقان الحق نوحیه فبلغه للضالین من عبادنا و للناس كافة و لا تخش القوم

المعتدین».) این فرقان الحق است که به تو وحی می‌کنیم پس او را به گمراهان از بندگان ما و همه مردم برسان و از قوم متجاوز ترس.

اشکال اول (اقتباس لفظی و معنایی)

این آیه از آیه ۱۰۲ سوره یوسف عَلَيْهِ و آیه ۱۵۰ سوره بقره اقتباس شده است.
- «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ» (یوسف/ ۱۰۲)؛
«این [مطالب] از خبرهای بزرگ غیب است که آن را به سوی تو وحی می‌کنیم؛ و نزد آن (برادر) آن نبود، هنگامی که تصمیم جمعی بر کارشان گرفتند، در حالی که آنان فریب‌کاری می‌کردند».
«فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تُيَمِّمْ عَلَيَّكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره/ ۱۵۰)؛ «و سودی به ایشان نمی‌بخشید؛ و به یقین (یهودیان) می‌دانستند که هر کس خریدار آن [مطالب] باشد، در آخرت بهره‌ای برایش ندارد و چه بد بود آنچه خودشان را در مقابل آن فروختند؛ اگر (بر فرض) می‌دانستند!».
این آیه هم چنین از نظر سیاقی و معنایی از آیه ۶۷ سوره مائده گرفته شده است. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/ ۶۷)؛ «ای فرستاده [ی خدا]! آنچه را از طرف پروردگارت به سوی تو فرود آمده، برسان؛ و اگر (چنین) نکنی، پس پیام او را نرسانده‌ای؛ و خدا تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند؛ به راستی که خدا گروه کافران (منکر) را راهنمایی نمی‌کند».

اشکال دوم (اشکال معنایی)

در این آیه خطاب فرقان الحق به شخص خاصی است و شخص خاصی مخاطب وحی محسوب شده است در حالی که هیچ کس در جهان ادعای عنوان پیامبری برای چنین کتابی را دارا نیست و پیامبران برای رساندن وحی ترس به دل راه نمی‌داده‌اند، در هیچ جای الفرقان الحق نامی از کسی که فرقان الحق به او وحی شده است نیامده است و تنها در بعضی از آیات از شخصی به نام الصفی یاد شده (النور (۳)/ ۶) است که معلوم نیست شخص معینی است یا وصفی است برای کسی که به او وحی شده است.
(سوره المحجه (۲)/ ۱۰) در این سوره چهار مورد سرقت لفظی و معنایی از قرآن مجید اتفاق افتاده است.

(المحجه (۲)/ ۷) «و لا تفرح بالظلم بل بالقسط و تصدق القول و تعرض عن الجاهلین»؛ «به ظلم شادمان مشو و به قسط شادمان شو و سخن (فرقان الحق) را تصدیق کن و از جاهلین اعراض کن».

اشکال (اقتباس لفظی و معنایی)

اقتباس از سوره واقعه آیه ۵۷ و سوره اعراف آیه ۱۹۹
«نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ مَا شِمَا را آفریدیم» (واقعه/ ۵۷)؛ «پس چرا (آفرینش مجدد را) تصدیق نمی‌کنید؟!».

﴿حُذِيَ الْعَفْوُ وَأُمِرَ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف/ ۱۹۹): «(به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن!)».

(سوره نور (۲/۲) «و اقتربت الساعة وانشق الباطل فلا عاصم اليوم من امرنا فويل للمفتريين»؛ «ساعت نزدیک است و ماه از میان دو نیم شد پس جلوداری امروز از امر ما نیست پس وای بر افتراء زندگان».

اشکال اول (اقتباس لفظی و معنایی)

این آیه از نظر لفظ و معنا با عوض کردن چند کلمه از قرآن مجید اقتباس شده است و بر این اساس برای الفرقان الحق معجزه تلقی نمی‌گردد چون همان حقیقت قرآنی را مطرح می‌نماید.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ (قمر/ ۱): «ساعت (= رستاخیز) نزدیک شد و ماه بشکافت!».

﴿قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُعْرِقِينَ﴾ (هود/ ۴۳)؛ «(نوح) گفت: «امروز هیچ نگه‌دارنده‌ای در برابر فرمان خدا نیست، مگر کسی که (خدا بر او) رحم کند!» و موجی میان آن دو حایل شد و (پسر) از غرق شدگان گردید».

سوره السلام (۱۴ آیه) در این سوره یازده مورد سرقت لفظی و معنایی از قرآن مجید اتفاق افتاده است.

(السلام (۴/ ۱) «یا ایها الذین ضلوا من عبادنا : انا انزلناه فرقانا حقاً بلسان عربی مبین بین الاعجاز لنبینوا الضلال من الهدی و تعلموا سوء ما کنتم تفعلون».) «ای گمراهان از بندگان ما : ما این فرقان را به زبان عربی آشکار معجزه آمیز فرستادیم برای این که گمراهی را از هدایت آشکار سازیم و بدی آن چه را انجام می‌دهید بدانید».

اشکال اول (ادعای اعجاز و معجزه بودن)

در حالی که متن الفرقان الحق به عنوان متن و حیانی و اعجازی مطرح شده است چگونه ادعا می‌کند قرآن مجید غیروحانی است در حالی که بارها آیات همین قرآن از طرف الفرقان الحق مطرح شده است و تقریباً یک سوم از کتاب الفرقان الحق اقتباس لفظی و معنایی از قرآن مجید شده است، میزان اقتباس در همین آیه در اشکال بعدی قابل بررسی است.

اشکال دوم (اقتباس لفظی و معنایی)

این آیه از آیات متعدد قرآنی اقتباس شده است و دارای یک حالت ترکیبی از آیات متعدد قرآنی را دارد، آیات اقتباس شده به شرح زیر است:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف/ ۲)؛ «در حقیقت، ما آن را در حالی که خواندنی عربی است، فرو فرستادیم، تا شاید شما خردورزی کنید».

﴿وَيَا لِحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (اسراء/ ۱۰۵)؛ «و آن (قرآن) را به حق فرو فرستادیم و به حق فرود آمد؛ و تو را، جز مژده آور و هشدارگر، نفرستادیم».

جدول سرقت لفظی و معنایی

بررسی اشکالات کتاب «الفرقان الحق»

۲۰۹

سوره	تعداد آیه	میزان سرقت
سوره ۱۷ المارقین	۱۵	۱۲ مورد
سوره ۱۸ المؤمنین	۷	۷ مورد
سوره ۱۹ التوبه	۷	۶ مورد
سوره ۲۰ الصلاح	۱۷	۴ مورد
سوره ۲۱ الطهر	۱۳	۶ مورد
سوره ۲۲ الغرانیق	۱۳	۱۰ مورد
سوره ۲۳ العطاء	۱۳	۵ مورد
سوره ۲۴ النساء	۱۶	۱ مورد
سوره ۲۵ الزواج	۷	۴ مورد
سوره ۲۶ الطلاق	۱۲	۵ مورد
سوره ۲۷ الزنی	۱۳	۵ مورد
سوره ۲۸ المائده	۵	۳ مورد
سوره ۲۹ المعجزات	۸	۲ مورد
سوره ۳۰ المنافقین	۱۷	۱۷ مورد
سوره ۳۱ القتل	۱۵	۱۳ مورد
سوره ۳۲ الجزیه	۱۴	۷ مورد
سوره ۳۳ الافک	۱۸	۱۳ مورد
سوره ۳۴ الضالین	۹	۵ مورد
سوره ۳۵ الاخاء	۱۵	۸ مورد
سوره ۳۶ الصیام	۹	۱ مورد

سوره	تعداد آیه	میزان سرقت
سوره a البسملة (۰)	۷	۳ مورد
سوره ۱ الفاتحه (۱)	۷	۳ مورد
سوره ۲ المحبه (۲)	۱۰	۴ مورد
سوره ۳ النور (۳)	۷	۶ مورد
سوره ۴ السلام (۴)	۱۴	۱۱ مورد
سوره ۵ الایمان	۸	۵ مورد
سوره ۶ الحق	۱۰	۱ مورد
سوره ۷ التوحید	۹	۷ مورد
سوره ۸ المیسح	۲۷	۱۱ مورد
سوره ۹ الصلب	۱۴	۷ مورد
سوره ۱۰ الروح	۷	۳ مورد
سوره ۱۱ الفرقان الحق	۲۷	۲۲ مورد
سوره ۱۲ الثالوث	۳۱	۱۵ مورد
سوره ۱۳ الموعظه	۷	۲ مورد
سوره ۱۴ الحواریین	۱۳	۹ مورد
سوره ۱۵ الاعجاز	۱۳	۹ مورد
سوره ۱۶ القدر	۱۱	۵ مورد

میزان سرقت	تعداد آیه	سوره
۳ مورد	۸	سوره ۵۹ الیسر
۶ مورد	۸	سوره ۶۰ الفقراء
۱۲ مورد	۱۸	سوره ۶۱ الوحی
۷ مورد	۸	سوره ۶۲ المهتدين
۴ مورد	۱۴	سوره ۶۳ طوبی
۱۲ مورد	۱۲	سوره ۶۴ الاولیاء
۵ مورد	۱۴	سوره ۶۵ اقرا
۹ مورد	۱۲	سوره ۶۶ الکافرين
۱۲ مورد	۱۴	سوره ۶۷ الخاتم
۵ مورد	۱۱	سوره ۶۸ الاصرار
۷ مورد	۸	سوره ۶۹ التنزیل
۳ مورد	۸	سوره ۷۰ التحریف
۸ مورد	۱۳	سوره ۷۱ العاملین
۹ مورد	۱۰	سوره ۷۲ الالاء
۶ مورد	۸	سوره ۷۳ المحاجه
۲ مورد	۱۵	سوره ۷۴ المیزان
۴ مورد	۸	سوره ۷۵ القبس
۶ مورد	۲۵	سوره ۷۶ الاسماء
۸ مورد	۸	سوره ۷۷ الشهید
۲ مورد	۷	الخاتمه z سوره
۵۰۳	۹۵۴	جمعا ۷۸ سوره
میزان سرقت ۵۲/۷۲ درصد		

میزان سرقت	تعداد آیه	سوره
۴ مورد	۶	سوره ۳۷ الكنز
۴ مورد	۱۶	سوره ۳۸ الانبیاء
۱۲ مورد	۲۰	سوره ۳۹ الماکرین
۶ مورد	۱۲	سوره ۴۰ الامیین
۱ مورد	۷	سوره ۴۱ المقترین
۴ مورد	۱۰	سوره ۴۲ الصلاه
۲ مورد	۸	سوره ۴۳ الملوک
۳ مورد	۱۲	سوره ۴۴ الطاغوت
۱۴ مورد	۱۴	سوره ۴۵ النسخ
۴ مورد	۶	سوره ۴۶ الرعاه
۵ مورد	۷	سوره ۴۷ الشهاده
۱۲ مورد	۱۱	سوره ۴۸ الهدی
۴ مورد	۶	سوره ۴۹ الانجیل
۳ مورد	۳۰	سوره ۵۰ المشرکین
۵ مورد	۱۴	سوره ۵۱ الحکم
۵ مورد	۷	سوره ۵۲ الوعید
۴ مورد	۱۵	سوره ۵۳ الكبائر
۷ مورد	۱۰	سوره ۵۴ الاضحی
۶ مورد	۶	سوره ۵۵ الاساطیر
۳ مورد	۱۵	سوره ۵۶ الجنه
۵ مورد	۱۶	سوره ۵۷ المحرضین
۳ مورد	۱۲	سوره ۵۸ البهتان

«قرآن پژوهی خاورشناسان»، سال چهاردهم، شماره بیست ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۵. نقل اشتباه

از جمله اشکالات دیگری که به کتاب ساختگی الفرقان الحق می‌توان وارد نمود، نقل اموری است که چنانچه مبنا نقل لفظ از قرآن باشد در حالی که در قرآن مجید نیامده است همانند آیه ۲۱ سوره مسیح.

(مسیح (۸/۲۱) و قلم: و اتینا عیسی الانجیل فیہ ہدی و نور و موعظہ للمتقین
کلمه قلم ناظر بر طرح این مسئله در جای دیگر است که چنانچه منظور قرآن مجید باشد با آنچه در قرآن آمده سازگار نیست (عین همین جمله با این تفاوت در قرآن آمده است).
﴿وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾
(مانده/ ۴۶)؛ «و انجیل را به او دادیم که در آن، رهنمود و نور بود؛ و مؤید تورات پیش از او، و رهنمود و پندی برای خود نگه‌داران بود».

۶. تناقضات داخلی در الفرقان الحق

یکی از جهات اعجاز قرآن مجید عدم وجود اختلاف بین آیات الهی است، خداوند متعال در قرآن مجید عدم وجود اختلاف بین آیات الهی را از جمله دلایل الهی بودن قرآن مجید مطرح نموده است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/ ۸۲)؛ «و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند».

یکی از جهاتی که کتاب الفرقان الحق را آسیب پذیر نموده است وجود اختلافات داخلی آن است که در جای جای این کتاب قابل مشاهده است که در این محور از بحث به بررسی آن می‌پردازیم.

اولین مورد از موارد تناقض داخلی: از جمله موارد تناقض داخلی بین آیات فرقان الحق وجود دو تفسیر هستی‌شناسی در مورد خداوند متعال است که در یک محور تفسیر هستی‌شناسی وحدت در تثلیث و تثلیث در وحدت مطرح شده است و در محور دیگر امر تجلی بیان شده است. این اشکال در موارد متعدد از کتاب الفرقان الحق قابل طرح و بررسی است که در ذیل به بررسی این امر در سوره یک (بسمله) و سوره هفت (توحید) این کتاب پرداخته شده است.

- آیه ۱ سوره بسمله «بسم الآب الکلمة الروح الاله الواحد الاوحد»؛ «به نان پدر، کلمه، روح، خدای واحد اوحد».

اشکال (تناقض داخلی)

این سخن بر اساس آیات بعد همین سوره به معنای وحدت در تثلیث و تثلیث در وحدت و یگانگی بین وحدت و تثلیث است و به معنای یکی بودن اقلانیم ثلاثه است ولی در سوره هفت (سوره توحید) از کتاب الفرقان الحق، تثلیث با تفسیر تجلی مطرح شده است. تفسیر وحدت در تثلیث و تثلیث در وحدت یک تفسیر پارادوکسیکال است که قابل درک نیست و تناقض گونه است و عقل نمی تواند آن را درک نماید. تفسیر وحدت بر اساس تثلیث که می تواند تحت عنوان تجلی واحد در کثیر مطرح گردد، بر اساس پذیرش بحث تجلی معنادار است و در سوره توحید این کتاب همین امر مطرح شده است.

در سوره توحید آیه ۷ این چنین آمده است: «فسواء تجلینا واحدا او ثلاثة او تسعة و تسعين»؛ ... پس تفاوتی ندارد با واحد یا ثلاث یا نود و نه تجلی نمائیم. اگرچه بحث تجلی خود یک بحث مستقل است و از جانب عده ای مورد پذیرش قرار نگرفته است و براین اساس این تفسیر نیز معنادار نیست.

آیه ۲ سوره بسمله) مثلث التوحید موحد التثلیث ما تعدد. تثلیث کننده یکتایی و یکتا کننده تثلیث است، تعددی دارا نیست.

اشکال معنایی (تناقض داخلی)

در سوره توحید (۷) آیه ۲ بحث توحید در تثلیث بر اساس مبنای تجلی تحلیل شده است ولی در آیه ۲ سوره بسمله امر توحید و تثلیث بر اساس وحدت بین توحید و تثلیث تفسیر شده است که امر غیر قابل قبول برای عقل است و این خود یک تناقض در کتاب الفرقان الحق است چرا که بر اساس بحث تجلی دوئیت هنوز محفوظ است. در سوره های دیگر این امر تفسیر شده و تحلیلی عرفانی برای این امر مطرح شده است که با مبانی عرفانی و پذیرش بحث تجلی در تعارض نیست. (الصلب (۹/۶) فلا تغالوا فی الکفر و الضلال. انما المسیح کلمة روحنا فآمنوا بنا و بکلمتنا و بروحنا. فما نحن بثلاثة انتهوا خیرا لکم انما نحن اله واحد فرد وتر و لا شریک لنا فی العالمین. پس در کفر و گمراهی غلو نکنید، مسیح روح ما است پس به او و کلمه ما و روح ما ایمان بیاورید. پس ما سه تا نیستیم از این امر دست بردارید برای شما بهتر است. ما اله واحد یکتا هستیم و برای ما شریکی در عالم نیست.

۲۱۲

اشکال معنایی (تناقض)

این کلمات با طرح مسئله تثلیث در وحدت و وحدت در تثلیث هماهنگی دارد و با مسئله تجلی تفاوت دارد و بر این اساس یک تناقض الفرقانی تلقی می گردد چرا که الفرقان الحق در یک جا در صدد طرح تثلیث در وحدت و وحدت در تثلیث است و جای دیگر در صدد طرح امر تجلی کلمه الله است.

(ثالوث (۱۲)/ ۵) «فنحن الآب الكلمة الروح ثالوث فرد اله واحد لا شريك لنا فى السماوات و الارضين»؛ «پس ما پدر، کلمه، روح، مرکب از سه امر واحد خدای یکتایی که در آسمان‌ها و زمین‌ها شریکی نداریم هستیم».

اشکال اول (تناقض داخلی)

بر اساس بحث تجلی که در آیات قبل مطرح شد هر یک از کلمه و روح می‌توانند تجلی الله در سطح عالی باشند با حفظ کثرت بین این سه واقعیت بر اساس پذیرش بحث تجلی در حالی که در این جا، وحدت بین این حقایق مطرح شده است.

(ثالوث (۱۲)/ ۶) «و نحن الله الرحمان الرحيم ثالوث فرد اله واحد لا شريك لنا فى العالمين»؛ «و ما، الله، رحمان، رحيم مرکب از سه امر یکتا واحد و در عالمین شریکی نداریم...».

(ثالوث (۱۲)/ ۱۴) «و اذ شهد الذين آمنوا من عبادنا بانا الاله الاوحد الثالوث الموحد کنها و لا انفصام له عدا. فقد صدقوا و كذب المشركون»؛ «و بیاد آر زمانی را که بندگان مؤمن شهادت دادند به این که ما اله یکتای مرکب از سه امر که کنهش یکتا و برای گسست آن شمارشی نیست هستیم. پس راست گفتند و مشرکان دروغ گفتند».

اشکال (تناقض داخلی)

امر تثلیت در وحدت که در تضاد با امر تجلی است در این آیه مطرح شده است و بنابراین در تضاد با آیات تجلی است.

(ثالوث (۱۲)/ ۱۵) «يا ايها الذين اشركوا من عبادنا الضالين اليس الواحد منكم انسيا فردا لا شريك له فى ذاته و انه اب لابنه و ابن لايه و روح يحييه فهو ثالوث فرد وتر غير منقسم و ما هو بثلاثة منفصلين افلا نقدر ان نظهر كما تظهرون و انتم الاضعفون؟»؛ «ای بندگان مشرک ما که گمراه شدید آیا یکی از شما نیست که شریکی در ذات خویش ندارد و او پدر پسر خویش است و پسر پدر خویش است و روحی او را زنده می‌کند پس او سه امری است که یکتا و وتر و غیر منقسم است و او سه امر جدا شده نیست آیا ما قادر نیستیم ظاهر شویم آن طور که شما ظاهر می‌شوید در حالی که شما ضعفا هستید».

اشکال (اشکال معنایی و تناقض داخلی)

در این آیه سعی شده است امر وحدت در تثلیث با مثال وحدت ابوت و بنوت و روح در یک فرد توضیح داده شود و بر این اساس الله نعوذ بالله مسیح و مسیح، روح القدس خواهد بود که این امر علاوه بر این که دچار تناقض داخلی وحدت در تثلیث است مواجه با مشکل تعارض داخلی بحث تجلی نیز هست چرا که در بحث تجلی امر کثرت حفظ می‌شود در حالی که در این جا امر کثرت حفظ نمی‌شود و هر سه امر یک حقیقت تلقی می‌گردد.

(ثالوث (۱۲)/ ۲۰) «و عددوا الواحد الاوحد و قسموا الفرد المفرد و اشركوا بنا شرکا كبيرا»؛ «و یکتای اوحد را شمارش نمودید و فرد تنها را تقسیم نمودید و به ما شرک بزرگی ورزیدند».

اشکال (معنایی)

اشکال وحدت در تثلیث به معنای حفظ هویت‌های سه گانه هر یک از امور الله، کلمه و روح با حفظ وحدت بین این امور، امری است که قبل معرفت نیست؛ علاوه بر این که فرقان الحق با این مسئله دچار تناقض داخلی با بحث تجلی الله در کلمه و روح می‌شود.

(ثالوث (۱۲)/ ۲۳) «و ما ارسلنا من رسول یقتل من عصیه من عبادنا و یستحیی التابعین. فما ذا یضیره اما تجلینا واحداً أو ثلاثة او تسعة و تسعین»؛ «ما فرستاده‌ای که بندگان ما را که نافرمانی او را بکنند به قتل برساند و پیروانش را زنده نگه دارد نفرستادیم. پس چه ضرری برای او دارد که ما به صورت واحد یا سه یا نود و نه تجلی کنیم».

اشکال (معنایی)

در این جا امر تجلی الله در هویت‌های گوناگون مطرح شده است که با توجه به این که در تجلی تغایر بین امور تجلی یافته و آن چه از او تجلی اتفاق افتاده محفوظ است، کثرت امری محفوظی است که این امر با آیاتی که در صدد اثبات وحدت در تثلیث و تثلیث در وحدت است در تعارض است و الفرقان الحق را دچار تناقض داخلی می‌کند (ابن عربی، فصوص الحکم، ۱۳۶۶: فص هشتم و نهم).

غیر قابل فهم بودن حفظ هویت‌های متعدد در عین حال که یک حقیقت بیشتر وجود ندارد یعنی وحدت در تثلیث و تثلیث در وحدت فرقان الحق را با تناقض داخلی مواجه خواهد ساخت. (انبیاء (۳۸)/ ۱۱) «و نسختم بلغوكم قول التوراة و الانجیل فالبستم الحق باطلا و الايمان کفرا و افتریتم اقوالا ما انزلنا بها من سلطان»؛ «و با سخن لغوتان قول تورات و انجیل را نسخ نمودید و حق را لباس باطل و ایمان را لباس کفر پوشانیدید و سخنانی را به ما بستید که ما بر او سلطانی نازل نمودیم».

اشکال (تناقض داخلی)

این جمله تنها جمله‌ای است که در فرقان الحق از تورات به عنوان کتاب حق به صورت صریح از آن یاد شده است (در بعضی از آیات در فرقان الحق از تورات نقل سخن شده است و ظهور در حقانیت تورات دارد) و سخن به میان آمده است ولی با توجه به اینکه فرقان الحق بر اساس رد پلورالیسم و بر اساس انحصارگرایی در انجیل الحق و فرقان الحق استوار شده است نمی‌تواند مبنایی برای حقانیت تورات طرح نماید.

اشکال (معنایی)

با توجه به سرقت عظیم فرقان الحق از قرآن مجید (از ۹۵۴ آیه موجود در فرقان الحق ۵۰۳ آیه از قرآن مجید برابر ۵۲/۷۲ درصد سرقت شده است) قرآن مجید بر او دارای سلطنت است. (انبیاء (۳۸) / ۱۶) و ما بشرنا بنی اسرائیل برسول یأتی من بعد کلمتنا و ما عساه ان یقول بعد ان قلنا کلمة الحق و انزلنا سنة الکمال و بشرنا الناس كافة بدین الحق و لن یجدوا له نسخا و لا تبدیلا الی یوم یبعثون.

اشکال (تناقض داخلی)

این اشکال بزرگ‌ترین اشکال به فرقان الحق است چرا که نفی هرگونه رسالتی بعد از انجیل را مطرح می‌کند و بر این اساس فرقان الحق که خود مدعی نفی هرگونه رسالتی بعد از انجیل یا کلمه الهی است، غیر الهی بودن خویش را بر این اساس اثبات می‌کند. اشکال: در بحث تعدد ادیان، علت نزول وحی در دوران‌های گوناگون و تعدد ادیان را تکامل استعدادها مطرح می‌نمایند و بر این اساس یکی دیگر از اشکالات فرقان الحق انحصارگرایی بر انجیل الحق و فرقان الحق است و چنان‌چه علت تنوع ادیان تکامل استعدادها مطرح نشود انحصارگرایی در محور انجیل الحق و فرقان الحق معنادار نیست.

۷. تلاش‌های عقیم (برای طرح تناقض در قرآن)

هفتمین اشکالی که می‌توان مطرح نمود کوشش نویسنده یا نویسندگان الفرقان الحق در طرح تناقضات قرآنی است در حالی که تناقضی در کار نیست که به عنوان نمونه می‌توان آیه ۱۳ سوره هفتم (سوره توحید) را مطرح نمود.

یک. (توحید (۷) / ۱۳) «فاتبعه الذین فی قلوبهم زیغ و اما الراسخون فی العلم من عبادنا الصالحین فیعلمون تأویلها و یعلمون انها لیست من عندنا و لو کانت من عندنا لما وجدوا فیها اختلافا کبیرا و لا نسخا و لا تبدیلا»؛ «پس پیروی می‌کنند از ایشان کسانی که در دل ایشان گمراهی است و اما راسخون در علم از بندگان صالح ما پس تأویل آیات را می‌دانند و می‌دانند که این آیات از جانب ما نیست و اگر از جانب ما بود هرآینه در آن اختلاف و نسخ و نه تغییری نمی‌یافتید».

اشکال معنایی

ادعای این سخن که اختلاف کثیر در قرآن مجید وجود دارد یک ادعای صرف است و خلاف واقع است و پنج موردی که در کل فرقان الحق ادعای اختلاف و تناقض‌گویی شده است ناشی از درک اشتباه و غلط نویسندگان فرقان الحق است که در جای خویش مورد بررسی قرار دادیم علاوه بر این، نسخ یک حقیقت معنادار است و این سخن که وجود نسخ در قرآن بیانگر این معنا است که قرآن از جانب پروردگار نیست معنادار نیست.

دو. (مسیح (۸/۲۲) و قلت: «آمنا بالله و بما اوتی عیسی من ربه» ثم تلوتم منکرین: «و من بیتغ غیر ملتنا دینا فلن یقبل منه» و هذا قول المنافقین؛ و گفتید: ایمان آوردیم به الله و به آن چه عیسی از جناب پروردگارش عطا شده است. سپس منکر این معنا شدید و می خوانید: هر کس دینی غیر از دین ما را برگزیند از او قبول نخواهد شد و این سخن منافقین است.

اشکال تناقض داخلی

در آیه اول نویسنده یا نویسندگان فرقان الحق در صدد طرح یک تناقض داخلی در آیات قرآن مجید برآمده اند در حالی که اشکال تناقض اساساً مطرح نیست چرا که آیه اول که امر ایمان به مسیح و وحی او را مطرح می کند امری است که با آیه بعد قابل جمع است و بر این اساس تناقض داخلی رفع می گردد.

و اما آیه بعد اگر منظور از اسلام، اسلام به معنای خاص باشد که همان تعلیمات دین پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ هیچ گونه تناقضی با آیه اول ندارد چرا که از تعلیمات نبی اکرم حضرت ایمان به مسیح و وحی او است و بر این اساس هیچ گونه تناقضی بین دو آیه شریفه از آیات قرآن برقرار نیست.

۸. عدم توانایی در هموردی در فصاحت و بلاغت و اعجاز علمی با قرآن مجید

به عنوان نمونه می توان از آیه ۲۴ سوره هشتم (مسیح) مثال زد که در برابر آیه ۴۰ سوره مبارکه احزاب آورده شده است.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَحَاطَمَ التَّبَيِّنِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (احزاب/ ۴۰).

آیه ۲۴ سوره مسیح «فما بعد کلمتنا من کلم و لا بعد تنزیلنا من مستنزل و لا بعد دین الحق من دین قویم الی یوم تبعثون».

یا آیه ۸ سوره مسیح را می توان مثال زد که در برابر آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره آورده شده است.
﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ﴾ (بقره/ ۱۷۷).

(و لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل الجنوب و الشمال و لكن البر من آمن بنا و عمل بسنتنا اللتی تامر بالمعروف امرا مفعولاً و نهی عن الفحشاء و المنکر و البغی نهیا مفعولاً).

از نظر تاریخی مشرق و مغرب جهت پرستش ادیان الهی بوده است ولی شمال و جنوب نبوده است لذا از نظر تاریخی این مورد اشکال دارد.

از جمله موارد دیگر می توان به مورد زیر اشاره نمود: سوره غرانیق (۲۲) آیه ۳) علمه مزید القوی

اشکالات

۱. سرقت لفظی و معنایی علمه شدید القوی؛ ۲. اشکال فصاحتی؛ در فرقان الحق آیه سرقت شده با تغییری آورده شده است که همین امر باعث شده تا آیه را از حالت بلاغت خویش خارج ساخته و به بعد بلاغتی آیه آسیب وارد شود.

در تعبیر قرآن مجید از کلمه (شدید القوی) استفاده شده است در حالی که در فرقان الحق این کلمه تغییر یافته و به (مزید القوی) تبدیل شده است، این تغییر باعث زوال و از بین رفتن بلاغت آیه در این محور شده است. در معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۰/۳ (شد) الشین و الدال اصل یدل علی الفضل (احمد بن فارس، مقاییس اللغة، ۱۷۹/۳) و در آیه از صنعت حذف ایجاز استفاده شده است و قوا بیان شده‌اند و این قوا شدید و قوی معرفی شده‌اند، در حالی که در تغییری که در فرقان الحق افتاده است تنها زیادت‌تر بودن قوا مطرح شده است نه قوی بودن قوا.

از جمله شرایط بلاغتی که قدرت گوینده بلیغ را بر اساس آن می‌توان محک زد نحوه شروع کلام است به صورتی که از آن بتوان به مقصود گوینده پی برد (ابن اثیر، المبادی والافتتاحات، بی تا: ۹۶/۳). افتتاح قرآن مجید با سوره مبارکه فاتحه الکتاب یا ام الکتاب است که این سوره در بردارنده تمام مقاصد قرآن مجید است. این حقایق را در محورهای ذیل می‌توان مطرح نمود.

۱- شناخت خداوند متعال و صفات جمال و جلال؛ ۲- اعتقاد به روز قیامت؛ ۳- خداوند تنها معبود و ملجأ هستی است؛ ۴- ایمان به رسالت انبیاء؛ ۵- توجه به احوال امت‌های دیگر. این پنج امر اساسی‌ترین اصول مطرح شده در کل قرآن مجید است در حالی که در اولین سوره از سور فرقان الحق تنها دو مبنا از مبانی مطرح شده در کل فرقان الحق مطرح شده و بر این اساس سوره افتتاح شده از بلاغت لازم برخوردار نیست.

از جمله موارد دیگری که می‌توان مثال زد آیه ۱۲ سوره الصلب است؛ لقد وهبناکم حیاة النعیم فتخیرتم عذاب الجحیم و ما ظلمناکم و لکن کنتم انفسکم تظلمون. هرآینه ما به شما زندگی همراه نعمت عطا نمودیم ولی شما عذاب جهنم را برگزیدید ولی شما به خویش‌ن ظلم نمودید.

مقایسه فصاحتی تنزیل قرآنی: «إِنَّ لِمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ» (قلم / ۳۴).

(الصلب (۹/ ۱۲): «لقد وهبناکم حیاة النعیم فتخیرتم عذاب الجحیم».

با توجه به ثباتی که در جملات اسمیه وجود دارد جمله قرآن مجید از فصاحت برخوردار است در حالی که جمله الفرقان الحق از ثبات لازم برخوردار نیست (تفتازانی، شرح مختصر المعانی، بی تا: ۱۲۹).

۹. طرح مبانی هستی‌شناسی ادیان دیگر

از جمله اشکالات دیگری که به فرقان الحق می‌توان وارد نمود طرح مبانی هستی‌شناسی ادیان دیگر همانند دین مسیحیت است که مبناى الهی دارد (به عنوان یک آموزه مستقل) و از آموزه‌های وحیانی است که در دعوت به تحدی لحاظ این امر مهم است (چرا که در تحدی دعوت به کمک از جن و انس مطرح گردیده است در حالی که در این نوع از مستندات از ادیان الهی کمک گرفته شده است و مستندات ادیان الهی ریشه‌ای الهی دارا است).

۱۰. انتساب حکم اشتباه به اسلام

یکی از جهات اعجاز قرآن عدم انتساب احکام غلط است که در جای جای آن می‌توان این امر را مورد بررسی قرار داد ولی در الفرقان الحق به موارد متعددی برخورد می‌کنیم که دارای انتسابات اشتباه است.

(السلام (۴/۱۱)) «لقد افتریتم علینا کذبا بانا حرمننا القتال فی الشهر الحرام ثم نسخنا ما حرمننا فحللنا فیہ قتالا کبیرا»؛ «شما بر ما دروغ بستید که ما جنگ در ماه حرام را حرام نمودیم سپس آنچه ما حرام نمودیم نسخ کردیم و در آن جنگ بزرگ را مجاز شمردیم». این آیه اشاره به کلام پروردگار در قرآن مجید در سوره بقره آیه ۲۱۷ دارد.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ...» (بقره/۲۱۷)؛ «از تو در باره‌ی جنگ در ماه حرام می‌پرسند؛ بگو: «جنگ در آن، (گاهی) بزرگ است...».

اشکال معنایی (نسبت دروغ یا خیانت علمی)

این آیه در صدد امضاء و تثبیت حکم حرمت جنگ در ماه‌های حرام است که از زمان‌های قدیم و اعصار پیشین در میان اعراب در مورد تحریم پیکار در ماه‌های حرام (رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم) وجود داشت و بر این اساس نسخی اتفاق نیافتده است و حکم این آیه شریفه هنوز باقی است. (چنانچه جنگی از جانب دیگران در ماه‌های حرام تحمیل شود دفاع در آن ماه بر مسلمانان واجب است). در حالی که در مورد این آیه شریفه در فرقان الحق یا به اشتباه یا به عمد، حکم نسخ حرمت جنگ در ماه‌های حرام آورده شده است. اگر حکم نسخی که در فرقان الحق گفته شده است به اشتباه این امر مطرح گردیده حکایت از بی‌اطلاعی نویسنده یا نویسندگان این کتاب جعلی دارد و اگر به عمد چنین ادعای مطرح گردیده است در حالی که حکم و نظر اسلام این چنین نیست این امر خیانت علمی بزرگ است که در فرقان الحق رخ داده است.

۱۱. ترکیب آیات قرآنی و ارایه آن به عنوان یک آیه جدی

ترکیب آیات قرآنی و ارایه آن به عنوان یک آیه جدید یکی دیگر از محورهایی که می‌توان در مورد این کتاب مورد بررسی قرار داد مسئله ترکیب آیات متعدد قرآن و عرضه کردن آن به عنوان یک آیه جدید است.

آیه ۸ سوره الحق (۶) کتاب فرقان الحق ترکیبی از آیات شریفه ۱۰۵ بقره و ۲۵ انعام است. ﴿وَمَنْ يَتَّبِدْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (بقره/۱۰۸)؛ ﴿وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (انعام/۲۴).

(الحق (۶)/۸) کتاب فرقان الحق فقد تبدلوا الكفر بالایمان فضلوا سواء السبیل و ضل عنهم ما كانوا يزعمون.

۱۲. طرح اخبار غیبی بدون اثبات رسالت

طرح اخبار غیبی در مورد گذشته و آینده بدون اثبات رسالت است، چرا که اگر سند حقایق رسالت کسی که مدعی پیامبری است معجزه دیگری است و برای ما روشن نیست چرا که اگر همین کتاب است این کتاب توان هموردی با قرآن مجید را ندارد.

۱۳. طرح مسائل تاریخی غلط

در مورد قبله گاه ادیان الهی و به عنوان آیه‌ای در برابر آیه شریفه ۱۷۷ بقره آیه‌ای آورده است در حالی که در هیچ زمانی قبله گاه پرستش ادیان بزرگ الهی همانند مسیحیت یا یهود نبوده است. «و لیس البران تولوا و جوهکم قبل الجنوب و الشمال و لکن البرمن آمن بنا» (آیه ۸ سوره مسیح).

نتیجه

علی رغم تمام تلاش‌هایی که تاکنون در جهت تحدی با قرآن مجید از زمان بعثت پیامبر اعظم ﷺ تاکنون انجام شده است و آخرین تلاش در این راستا کتاب الفرقان الحق؛ که مورد بررسی قرار گرفت و اشکالات آن در سیزده محور مطرح گردید، هیچ کوششی نیز در این راستا توان تحدی با قرآن مجید را دارا نبوده و نخواهد بود.

منابع

۱. قرآن، ترجمه رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه (ترجمه گروهی قرآن کریم)، موسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، المبادئ و الافتتاحات.
۳. ابن عربی، محیی الدین، فصوص الحکم، تهران: الزهراء، ۱۳۶۶ ش.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. تفتازانی، سعد الدین، کتاب المطول، قم: مکتبه الداوری، بی تا.
۶. تفتازانی، سعد الدین، شرح مختصر المعانی، تهران: انتشارات وفا، بی تا.
۷. جرجانی، عبد القاهر، اسرار البلاغه فی علم البیان، قم: منشورات الرضی، ۱۴۰۴ ق.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷ ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. عبد الباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، القاهرة: مطبعه دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴ ق.
۱۲. الفرقان الحق، بی تا: بی جا.
۱۳. کتاب مقدس
۱۴. مطهری، مرتضی، پیامبر امی، تهران: صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۶ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، برگزیده تفسیر نمونه (زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی)، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، طهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴ ش.
۱۸. هاسپرس، جان، فلسفه دین، ترجمه محمد محمد رضایی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ ش.